

شناسایی و بررسی عوامل تأثیرگذار بر صنعت سنگ افغانستان (مطالعه موردی: سکتور سنگ مرمر)

رضا صفری^{*۱}، کریمه غلامی^{**۲}، کبری توسلی^{***۳}

۱- فارغ التحصیل ماستری رشته اقتصاد، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران

۲- فارغ التحصیل ماستری رشته اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

۳- فارغ التحصیل ماستری رشته اقتصاد، دانشگاه جامعه ملی اسلامی، دهلی، هندوستان

چکیده

در این تحقیق اهمیت صنعت افغانستان و به طور ویژه صنعت معدن و سکتور سنگ مرمر در رشد اقتصادی کشور بررسی گردیده است. صنعت معدن، یکی از بخشهای اصلی اقتصادی به شمار می آید که می تواند به بسیاری از بخشهای اقتصادی کشور به طور مستقیم و غیرمستقیم کمک کند. علاوه بر این، بخش معدن می تواند در ایجاد فرصت های شغلی نقش مهمی ایفا کند؛ بنابراین این پژوهش به دنبال بررسی عوامل تأثیرگذار بر صنعت سنگ افغانستان که جزء سکتورهای اصلی صنعت افغانستان است، می باشد تا این عوامل را شناسایی و اولویت بندی کرده و سپس پیشنهادهایی جهت بهبود این سکتور و صنعت ارائه کند. روش تحقیق به این صورت است که با طرح پرسشنامه ای در این زمینه و توزیع آن در میان ۱۱۰ شرکت پروسس و استخراج سنگ مرمر در سطح کشور و تحلیل آن، عوامل تأثیرگذار بر این سکتور شناسایی شده و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون شدت این رابطه نیز مورد بررسی قرار گرفت که به ترتیب عبارتند از: نبود مواد خام و توقف قراردادهای، موانع ترانسپورتی، دسترسی به زمین، عدم نظارت بر گمرکات، رویالیتی غیرمتناسب، کمبود انرژی کافی و امنیت. درواقع نبود مواد خام من حیث بزرگترین چالش قلمداد گردیده و ۳۶ فیصد شرکت ها را با چالش جدی روبرو کرده است. دلیل عمده این چالش ها عدم اعطای قراردادهای سنگ مرمر در ۳ سال اخیر و فروش غیرقانونی سنگ مرمر خام به بازارهای بیرونی می باشد. درنهایت برای رفع این مشکلات، راه حل ها و پیشنهادهایی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: صنعت افغانستان، سکتور سنگ، صادرات سنگ مرمر، اشتغال زایی، رشد و توسعه

(نویسنده مسئول) r.safari.1988@gmail.com - *

gholami.karime1993@gmail.com - **

kubra.tawasoli@gmail.com - ***

مقدمه

منابع مهم رشد اقتصادی افغانستان را کمک‌های جامعه جهانی، رشد بی‌سابقه بخش خدمات و رشد نسبتاً خوب زراعت تشکیل می‌دهند. متأسفانه سهم صنعت در این روند چندان قابل توجه نبوده است. با آنکه صنعت یکی از بخش‌های مهم در توسعه و رشد اقتصادی کشورها به حساب می‌آید، اما توجه به این بخش در افغانستان نه تنها در یک دهه اخیر، بلکه از گذشته‌های دور تاکنون ناچیز بوده است. به عبارت دیگر، این بخش هیچ‌گاه فرصت ایفای نقشی را که بایست در رشد و توسعه اقتصاد افغانستان بازی می‌کرد، بدست نیاورده است.

نظام‌ها و سیاست‌های مختلف اقتصادی را که افغانستان تجربه کرده، نه تنها به رونق این بخش کمک نکرده، بلکه چالش‌های زیادی فراروی صنعت و صنعت‌کاران افغانستان قرار داده است. این روند باعث شده که صنایع در افغانستان صرفاً محدود به صنایع اولیه، واسطه و مصرفی باقی بماند و فن‌آوری لازم نیز وجود ندارد و صنایع افغانستان از فن‌آوری ساده گرفته تا صنایع دستی و سنتی باقی مانده است. فعالیت‌های صنعتی در افغانستان روی چهار بخش: ۱. معادن و استخراج، ۲. صنایع کارخانه‌ای شامل بخش‌های فرعی صنایع شیمیایی، صنایع سبک (خفیفه)، صنایع مواد غذایی، تولیدات فلزی، داروها، مواد ساختمانی، صنایع نجاری و کاغذسازی و ... می‌باشد، ۳. برق و آب، ۴. ساختمان متمرکز است (آمار احصائیه مرکزی، ۱۳۹۷).

در میان صنایع افغانستان، بخش معدن و صنایع معدنی پیشران اقتصاد است و با متحول شدن این بخش، سایر بخش‌های صنعتی و اقتصادی کشور فعال می‌شود. نکته دیگری که نباید از آن غفلت کرد، تأثیر معدن بر صنعت است. اگر صنعت سنگ و نظایر آن در افغانستان سودآور هستند، بدلیل فعالیت معادن متعدد در کشور است. چراکه در غیر این صورت صنایع معدنی در افغانستان پا نمی‌گرفت و به دنبال آن اگر صنایع معدنی قدرت نمی‌گرفت، بسیاری از تولیدات بخش معدن ایجاد نمی‌شد، مانند صنعت پروسس سنگ مرمر و گرانیت و زمرد و ... که از سنگ‌های ساختمانی گرفته تا تزئینات سنگی تولید می‌شود (وزارت معادن و پترولیوم، ۱۳۹۷).

بیان مسئله

سکتور معدن قدرت و ارزش افزوده آشکار و پنهانی دارد که نباید مورد غفلت قرار گیرد. نقش معادن در توسعه و توجیه اقتصادی صناعی مانند سنگ مرمر، ریگ و سیمنت، زغال سنگ، تیل و گاز و سنگ‌های قیمتی مانند ذر بدخشان، پنجشیر، نورستان، لغمان و کنر، استخراج کرویت در سرحدات جنوبی، خوست،

پکتیا، پکتیکا، لوگر و ننگرهار و ... بر اهمیت و جایگاه این بخش در کسب ارزش افزوده بیشتر برای کشور می افزاید.

از طرفی در سند بودجه ملی ۱۳۹۷ جمهوری اسلامی افغانستان نیز راجع به اهمیت این سکتور اعلام شده است که تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۶، ۲,۴ فیصد پیش بینی شده که ناشی از افزایش فعالیت های سکتور دومی (تولیدات و صنایع) می باشد؛ که یکی از محرک های اصلی سکتور صنعت، معادن و استخراج به شمار می آید. از طرف دیگر اشتغال ایجاد شده به واسطه معادن، پایدارتر و با توجه به پراکندگی آن در سراسر افغانستان و مناطق محروم از اهمیت خاصی برخوردار است.

همچنین بر اساس آخرین آمار که از سوی وزارت صنایع و معادن به نشر رسیده، ارزش ذخایر معدنی کشف شده در ولایت های شرق افغانستان بیش از ۳ تریلیون دالر (سه هزار میلیارد دالر) تخمین شده است. اما با وجود پتانسیل های بالقوه فراوان، شاهد سرمایه گذاری مناسب در این حوزه نبوده ایم. مسئله اصلی این تحقیق این است که چرا با وجود وفور معادن سنگ مرمر در کشور و تأثیر چشم گیر آن بر رشد اقتصادی، نقش این سکتور در رشد اقتصادی افغانستان کم است و در این تحقیق با بررسی اطلاعات در مورد سکتور سنگ مرمر که از اتحادیه صنعت سنگ افغانستان، وزارت معادن و پترولیوم، وزارت صنعت تجارت، وزارت مالی، وزارت اقتصاد و اداره احصائیه مرکزی به دست آمده مشخص می شود که عوامل مهم تأثیر گذار بر رشد و توسعه این سکتور، همچنین مشکلات و چالش های آن چیست؟ و چه راه حل هایی برای این چالش ها و مشکلات می توان ارائه کرد؟

سوابق تحقیق

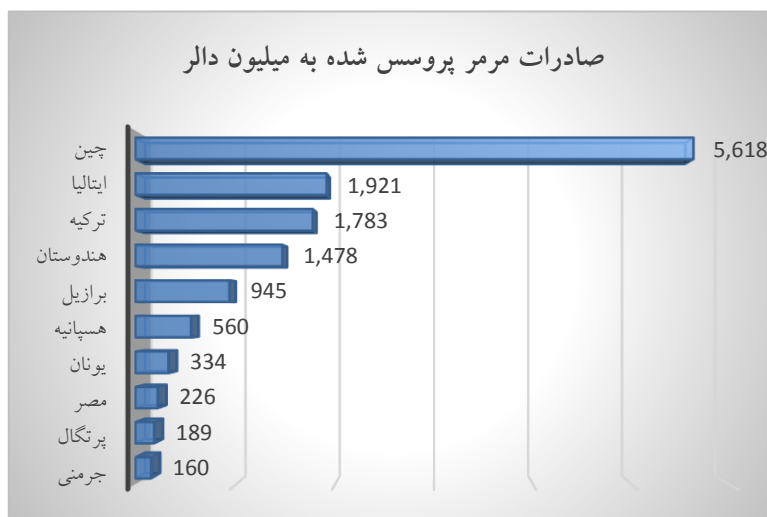
- ۱- وزارت معدن افغانستان گزارشی با موضوع فرصت های سرمایه گذاری در صنعت استخراجی افغانستان در سال ۲۰۱۸ منتشر کرده است که در آن فرصت های مختلف را ذکر کرده است که یکی از آن ها فرصت سرمایه گذاری در زمینه استخراج سنگ مرمر اعلام شده است.
- ۲- بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ گزارشی با موضوع منابع طبیعی و توسعه پایدار افغانستان با شماره ICR004223 منتشر کرده است که در آن ارزش ذخایر طبیعی افغانستان برآورد شده است و اعلام شده است که کشور افغانستان دارای منابع غنی است که می تواند با استفاده از آن ها به توسعه پایدار دست پیدا کند و یکی از مهمترین منابع طبیعی افغانستان را منابع سنگ آن ذکر کرده است.

۳- خانم پریسا یعقوبی در سال ۱۳۹۴ تحقیقی در مورد موضوع تحلیل اقتصادی صنعت سنگ در کشور ایران انجام داده است که در آن به بررسی وضعیت اقتصادی رشته فعالیت‌های سنگ‌های ساختمانی و تزئینی پرداخته است و نتایج نشان داده است که درخصوص حوزه تولید، میزان اشتغال‌زایی این صنعت بسیار بالا است. از عمده‌ترین مشکلات این صنعت نیز عبارت‌اند از: عدم استفاده از روش‌های مدرن و فناوری‌های مناسب که منجر به کاهش تولید و بهره‌وری شده است، مقیاس تولید نامناسب، بازار، عدم وجود بانک بزرگ و جامع اطلاعات مربوط به تولید، مصرف، واردات، صادرات، عرضه، تقاضا، قیمت، بازیافت، ذخیره، ذخیره معادن با توجه به شرایط موجود، تنگناهای مالی، مشکلات مربوط به منابع انسانی و بهره‌وری پایین و واردات و صادرات و ضعف در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مناسب برای صادرات و ورود به بازارهای جدید. پیشنهاد شده است.

مبانی نظری تحقیق

حال که به اهمیت نقش سکتور سنگ مرمر بر رشد اقتصادی کشور پی بردیم، وضعیت این سکتور را در جهان و سپس در افغانستان بررسی می‌کنیم تا موضوع کمی تشریح شود و بتوان عوامل تأثیرگذار بر این صنعت را پیش‌بینی و سپس مدل تحقیق آن را ساخت.

۱- وضعیت جهانی سنگ مرمر



نمودار شماره (۱) بزرگترین کشورهای فعال در صنعت سکتور سنگ مرمر (گزارش جهانی ۲۰۱۷)

از نظر سهم بازار، صنعت مرمر و گرانیت در جهان ارزش چندین میلیارد دلاری دارد و بعضی گزارش‌ها ارزش فعلی این صنعت را تا ۵۰ میلیارد دلار تخمین زده است (وزارت معدن، ۲۰۱۷). در این صنعت، بزرگترین بازیگرها کشورهای چین، ایتالیا و ترکیه می‌باشند، پس از این گروه، بازیگران عمده کشورهای هندوستان، پرتغال، ایران پاکستان و مصر است. کشور چین در سال ۲۰۱۶ به ارزش ۵ میلیارد دلار مرمر پروسس شده به انواع مختلف را به بازارهای جهانی صادر کرده است. پس از چین، ایتالیا، ترکیه و هندوستان در جمله صادرکننده‌های عمده محصولات مرمر قرار دارند. از طرفی چین بزرگترین واردکننده سنگ مرمر خام و نیمه پروسس شده و یکی از بازارهای بالقوه برای صادرات سنگ مرمر افغانستان می‌باشد.

۲- وضعیت سنگ مرمر افغانستان

سنگ مرمر کشور افغانستان از شهرت بسزای جهانی برخوردار بوده که دارای ۶۰ ذخیره سنگ مرمر و به‌طور تخمینی به تعداد ۴۰ نوع سنگ مرمر با ۳۵ رنگ مختلف در این کشور وجود دارد. اداره‌ی سروی جیولوجی آمریکا حجم ذخایر مرمر افغانستان را ۱,۳ میلیارد تن تخمین کرده است که به اساس تخمین ابتدایی ارزش ذخایر مرمر افغانستان بالاتر از ۱۵۰ میلیارد دلار می‌باشد. این ذخایر باکیفیت سنگ مرمر، نقش مهم را در اقتصاد این کشور ایفا نموده و سبب ایجاد هزاران شغل در معادن سنگ مرمر در ساحات روستایی و همچنان در سکتور پروسس این سنگ‌ها گردیده است؛ که در جدول شماره (۱) جدیدترین آمار اشتغال این سکتور را بر اساس داده‌های اتحادیه صنعت سنگ افغانستان می‌توان مشاهده کرد.

کیفیت و کمیت ذخایر سنگ مرمر افغانستان دارای مزیت نسبی می‌باشد؛ که با استفاده از آن افغانستان می‌تواند به یک مزیت رقابتی نیز دست یابد. به‌طور مثال ذخایر سنگ مرمر سفید چشت هرات و خوگیانی نگرهار از لحاظ کیفیت و تنوع در سطح بالای جهانی هستند (گزارش نمایشگاه سنگ در دوبی، ۲۰۱۶).

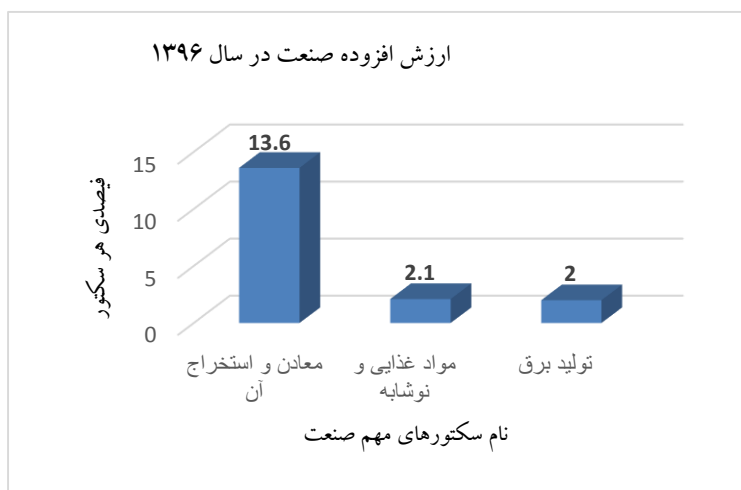
همچنین در مورد پیشرفت این صنعت می‌توان گفت که قبل از سال ۱۳۸۰ در تمام افغانستان بیشتر از ۵ فابریکه پروسس سنگ‌های بلاک و تزئیناتی فعالیت نداشت و تعدادی هم اگر در بخش استخراج سنگ بوده‌اند، با سیستم‌های قدیمی و انفجاری فعالیت داشته‌اند؛ اما از سال ۱۳۸۴ تاکنون بیشتر از صد فابریکه پروسس با ماشینری جدید و ده‌ها بلاک استخراجی با سیستم مدرن و سیمبرش تأسیس گردیده است. به‌طور دقیق‌تر طبق آماری که اتحادیه صنعت سنگ افغانستان ارائه کرده است تاکنون ۵۰ شرکت استخراجی و ۱۱۰ فابریکه پروسس سنگ مرمر وجود دارد.

جدول شماره (۱) ظرفیت اشتغال‌زایی سکتور سنگ مرمر افغانستان

نوعیت و تعداد تولیدکننده	تعداد کارمندان (نفر)	مجموع (نفر)	حد وسط معاش (افغانی)	مجموع معاشات (افغانی)
۱۱۰ فابریکه	۳۰	۳۳۰۰	۷۰۰۰	۲۳۱۰۰۰۰۰
۵۰ شرکت استخراجی	۲۰	۱۰۰۰	۷۰۰۰	۷۰۰۰۰۰۰
۲۰۰ کارخانه کوچک تزئیناتی	۱۰	۲۰۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰
۵۰۰ دوکان سنگ فروشی	۳	۱۵۰۰	۵۰۰۰	۷۵۰۰۰۰۰
در بخش معماری و سنگشانی شامل پروژه‌ها	-	۱۵۰۰	۷۰۰۰	۱۰۵۰۰۰۰۰
عمومی		۹۳۰۰	۷۰۰۰	۶۵۱۰۰۰۰۰

۱-۲- اهمیت تأثیر سکتور سنگ مرمر بر اقتصاد افغانستان

هرکشوری که بخش معدن فعال‌تری داشته باشد، توسعه صنعتی را با شتاب بیشتری دنبال می‌کند.



نمودار شماره (۲) فیصدی تأثیر سکتورهای مختلف در صنعت افغانستان در سال ۱۳۹۶

درصد قابل توجهی از گردش مالی بخش صنعت کشور وابسته به بخش معدن است. به‌طور مثال

طبق سالنامه احصائیوی ۱۳۹۶ اداره ملی احصائیه و معلومات؛ ارزش افزوده سکتور صنعت در سال ۱۳۹۶

بالغ به ۳۰۷۵۲۹ میلیون افغانی گردید که نسبت به سال قبل ۹٫۰ فیصد رشد را نشان می‌دهد.

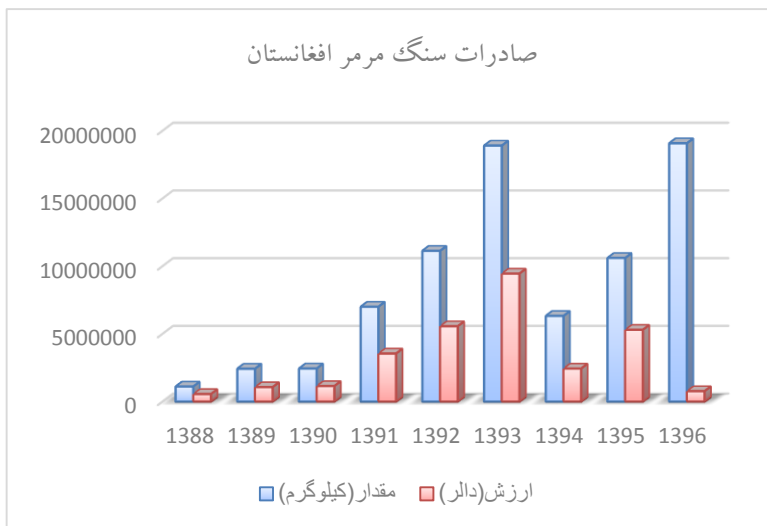
سهم عمده را در رشد این سکتور، معادن و استخراج آن به میزان ۱۳٫۶ فیصد، صنایع مواد غذایی و نوشابه ۲٫۱ فیصد و تولید برق ۲٫۰ فیصد دارا می‌باشد؛ بنابراین همان‌طور که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود بیشترین سهم تأثیر را در رشد سکتور صنعت، معادن و استخراج آن دارد.

از طرفی در بخش معدن سکتور سنگ مرمر دارای اهمیت زیادی است، زیرا که اداره سروی جیولوجی امریکا حجم ذخایر مرمر افغانستان را ۱٫۳ میلیارد تن تخمین کرده است. به اساس این آمار و با تخمین ۴۰ درصد ضایعات و استفاده قیمت ۲۰۰ دالر فی تن، درحالی که متوسط قیمت جهانی مرمر خام ۲۷۰ دالر است، به راحتی گفته می‌توانیم ذخایر مرمر افغانستان بالاتر از ۱۵۰ میلیارد دالر ارزش دارد (وزارت معادن و پترولیوم). از لحاظ سرمایه وارده به این سکتور نیز بیش از ۸۰ میلیون دالر سرمایه‌گذاری در این بخش شده است و تقریباً در سال ۴۱۱٫۸۴ میلیون افغانی روایتی به حساب دولت واریز می‌شود و از لحاظ اشتغال‌زایی نیز طبق آمار اتحادیه صنعت سنگ افغانستان این صنعت ظرفیت بالایی دارد. همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده شد در این سکتور حدود ۹۳۰۰ شغل ایجاد شده است که در حدود ۶۵ میلیون افغانی در ماه جمعاً این افراد درآمد کسب می‌کنند.

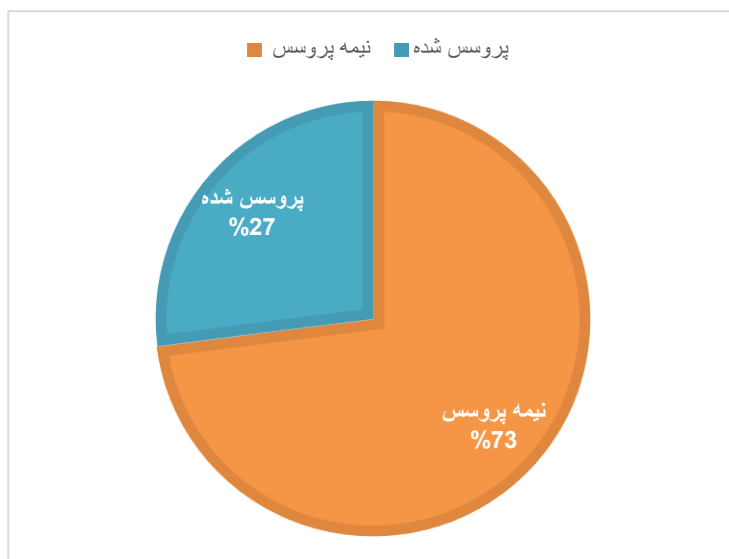
با توجه به جدول شماره (۲) و نمودار شماره (۳) روند صادرات سنگ مرمر از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ به صورت صعودی و از سال ۱۳۹۳ به صورت کاهشی بوده است تا اینکه در سال ۱۳۹۶ مجدداً در مقدار صادرات این سنگ افزایش مشاهده می‌شود؛ اما ارزش آن نسبت به مقدار آن بسیار پایین است، زیرا که طبق نمودار شماره ۴، ۲۷ فیصد آن را مرمر پروسس شده و متباقی آن را صادرات به شکل بلاک و نیمه پروسس تشکیل می‌دهد که دارای ارزش کمتری است.

سال	مقدار	ارزش
1388	1113310	556655
1389	2426560	1069280
1390	2443869	1146946
1391	7006597	3547518
1392	11133062	5566531
1393	18907518	9453759
1394	6327703	2437854
1395	10606574	5303287
1396	19076736	769479

جدول شماره (۲): مقدار (کیلوگرم) و ارزش (دالر) صادرات سنگ مرمر در سال (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶)



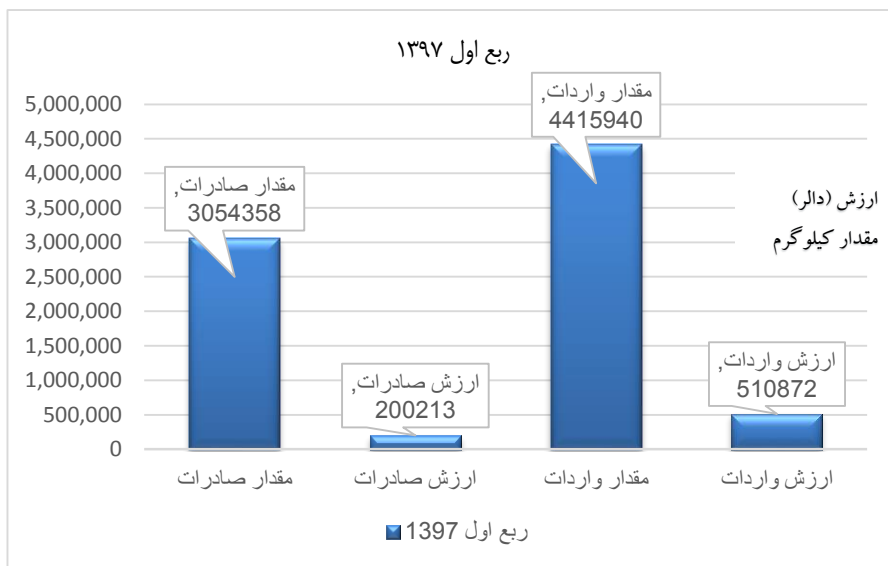
نمودار شماره (۳) مقدار (کیلوگرم) و ارزش (دالر) صادرات سنگ مرمر در سال (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶)، اداره احصائیه مرکزی



نمودار شماره (۴) سهم سنگ های پروسس شده و نیمه پروسس شده در صادرات افغانستان (اداره احصائیه مرکزی)

به طور مثال ارزش جهانی یک تن مرمر پروسس شده در سال ۲۰۱۶ بریده شده و پالایش شده با ضخامت حداکثر ۱۰ سانتی متر در حدود ۵۵۰ دالر بوده است و یک تن مرمر پروسس نشده به طور متوسط ۲۷۰ دالر به فروش رسیده است.

همچنین طبق نمودار شماره (۵) آمار صادرات و واردات سنگ مرمر در ربع اول سال ۱۳۹۷ از این قرار است: ۳۰۵۴۳۵۸ کیلوگرم به ارزش ۲۰۰,۲۱۳ هزار دالر صادرات و ۴۴۱۵۹۴۰ کیلوگرم به ارزش ۵۱۰,۸۷۲ هزار دالر واردات داشته است و این نشان از اهمیت و نقش پر رنگ صنعت سنگ مرمر در اقتصاد افغانستان دارد.



نمودار شماره (۵) مقدار (کیلوگرم) و ارزش (دالر) صادرات و واردات سنگ مرمر در ربع اول سال (۱۳۹۷)

همچنین ارزش استخراج سنگ مرمر از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۵ در جدول شماره (۳) نشان می دهد که اوج ارزش استخراج سنگ مرمر برابر ۵۵,۵ میلیون افغانی بوده است.

جدول شماره (۳) ارزش سنگ مرمر استخراج شده در سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
میلیون افغانی	36.9	27.0	23.9	37.1	55.5	3.7	35.4	25.7	27.4

بخش معدن و صنایع معدنی نیازمند فناوری‌های خاص است و ما باید از فناوری‌های روز جهان برخوردار باشیم. کشور برای توسعه اقتصادی نیازمند توجه شدید به معادن است. به‌طور مثال حجم عمده‌ای از مواد و مصالح ساختمانی کشور که در حدود بیشتر از ۷۰ درصد را شامل می‌شود از سمت گرفته تا سیخ گول، از کشورهای دیگر وارد می‌شود. درحالی‌که کشور می‌تواند با مدیریت منابع، نیروی کار و فرصت‌ها سرمایه‌گذاری‌های چشم‌گیری را انجام دهد تا تقاضای داخلی خود را مرفوع بسازد.

اما متأسفانه تاکنون در کشور مطالعه‌ی کامل و جامعی درباره ارزش اقتصادی این مواد و مصالح به قیمت روز جهانی انجام نگرفته است تا اهمیت این موضوع بیشتر آشکار شود. البته به‌تازگی طرح طبقه‌بندی شرکت‌های فعال در سکتور سنگ مرمر در هر دو حیطة استخراج و پروسس که توسط وزارت اقتصاد ایجاد گردیده است به مرحله اجرا رسیده است که این خود می‌تواند دستاورد بزرگی باشد و تا حدودی کمبود آمار و اطلاعات در این سکتور را جبران کند و بتواند مشکلات شرکت‌های فعال در این حوزه را نیز کمتر کند. بخش معدن بازار جذابی برای سرمایه‌گذاری است به‌طوری‌که در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این بخش صورت گرفته است. در این میان سکتور سنگ مرمر افغانستان نیز مورد توجه سرمایه‌گذاران خصوصی قرار دارد، زیرا که طی این سال‌ها ۵۰ فابریکه بزرگ پروسس صنعت سنگ در ولایت باستانی هرات، ۳۶ فابریکه در ولایت کابل و تعداد ۱۲ فابریکه در ولایت ننگرهار، شهرک صنعتی پروسس سنگ در منطقه ارغندی ولسوالی پغمان، مجتمع فابریکه‌های تولیدی در ساحه ناحیه نهم شهر کابل متصل به پارک صنعتی پلچرخ که شامل ۲۳ فابریکه فعال بوده است، تأسیس شرکت استخراجی و پروسس شرکت صفی‌گران، الافضل گروپ، هلال گروپ، نیچرال استون و سایر شرکت‌ها در شهرک جمعه محمد محمدی و پلچرخ تأسیس گردیده است. درنتیجه در داخل افغانستان سرمایه‌های سرگردان زیادی وجود دارند که از بازاری به بازار دیگر می‌غلتنند و گاهی افزایش قیمت ایجاد می‌کنند. درحالی‌که اگر اعتماد به سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد، این سرمایه‌ها به عاملان مولد اقتصادی تبدیل می‌شود. حرکت مهم در این زمینه بهبود محیط کسب و کار است که یکی از آسیب‌هایی به شمار می‌رود که افغانستان از آن رنج بسیاری میبرد.

فرضیه‌های تحقیق

در این قسمت با بررسی وضعیت سکتور سنگ مرمر در جهان و افغانستان، چند فرضیه که موانع رشد و توسعه این سکتور را نشان می‌دهد، بیان شده است که در ادامه این فرضیه‌ها آزمون خواهند شد.

- ۱- نبود امنیت تأثیر منفی بر رشد صنعت سنگ مرمر افغانستان دارد.
- ۲- فراهم آوری انرژی کافی، تأثیر زیادی بر رشد صنعت سنگ مرمر افغانستان دارد.
- ۳- رویالیتی غیرمتناسب، تأثیر منفی بر رشد صنعت سنگ مرمر افغانستان دارد.
- ۴- عدم نظارت بر گمرکات (عملکرد نامناسب گمرکات) تأثیری منفی بر صنعت سنگ مرمر افغانستان دارد.
- ۵- دسترسی به زمین بر رشد صنعت سنگ مرمر افغانستان تأثیرگذار است.
- ۶- موانع ترانسپورتی بر رشد صنعت سنگ مرمر افغانستان تأثیرگذار است.
- ۷- نبود مواد خام و توقف قراردادها بر رشد صنعت سنگ مرمر افغانستان تأثیر منفی گذاشته است.

تحلیل داده‌ها و مدل مفهومی

نبود امنیت در کشور و همچنین تنگناها و نارسایی‌های موجود در برخی از قوانین و مقررات ذی‌ربط مانند قانون معادن، قانون کار، قانون تجارت، قانون مالیه‌ها و بیمه، سیستم بانکی و غیره، کمبود جذابیت سرمایه‌گذاری در بخش معدن و مهم‌ترین آن سلیقه‌ای عمل کردن مسئولین این بخش بدلیل وجود کمبودها و نواقص در قانون معادن کشور باعث شده تا سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی انگیزه کافی برای حضور در افغانستان نداشته باشند. به‌طور مثال در مورد قانون معادن خلأهایی وجود دارد؛ از قبیل شفاف نبودن روند مناقصه، عدم انتشار قراردادها، مشخص نبودن مالکان و افرادی که از این نوع قراردادها سود می‌برند، عدم مشورت با نمایندگان جامعه مدنی در تدوین آن و نبود مکانیسم حل‌وفصل دعوا در صورت بروز منازعه ذکر کرده‌اند.

راهکاری برای مجازات مقامات دولتی که از شرکت‌های خاص برای برنده شدن آن‌ها حمایت می‌کند، در این قانون در نظر گرفته نشده و برای اطمینان از حسابدهی شفاف نیاز است تا روند نظارتی ایجاد شود که شامل نمایندگان شورای ملی افغانستان نیز باشد.

سازمان دیدبان شفافیت معادن افغانستان گفته است این قانون دست مافیا و فسادگران را برای حیف و میل سرمایه‌های مردم باز می‌گذارد. شفافیت قراردادها، پنهان نبودن هویت مالکان شرکت‌هایی که

قرارداد با آنها بسته می‌شود، استخدام کارمندان داخلی برای شرکت‌هایی که دست به استخراج معادن می‌زنند و نیز تعلق نگرفتن پنج درصد عواید به محل مورد استخراج از جمله نکات مورد نظر دیدبان شفافیت بوده است.^۱

بخش عمده خلاء این قانون مخالف فرمان ۴۵ ریاست جمهوری است که خواستار انتشار تمام قراردادها شده است. در این قانون تأکید شده که موضوعات مالی و تولید شرکت‌های سرمایه‌گذار گزارش داده نشود که این دو بخش می‌تواند باعث فساد شود و سرمایه‌گذاران به صورت شفاف مالی به نخواستند پرداخت. همچنین هویت کسانی که در پشت قراردادها هستند باید برای مردم واضح باشد، زیرا در افغانستان اغلب افراد زورمند پشت قراردادهای بزرگ قرار دارند که باعث عدم شفافیت در این روند می‌شوند، ولی در قانون نامی از آن برده نمی‌شود. توجه به مردم منطقه نیز یکی از مواردی است که در این قانون به آن پرداخته نشده است.

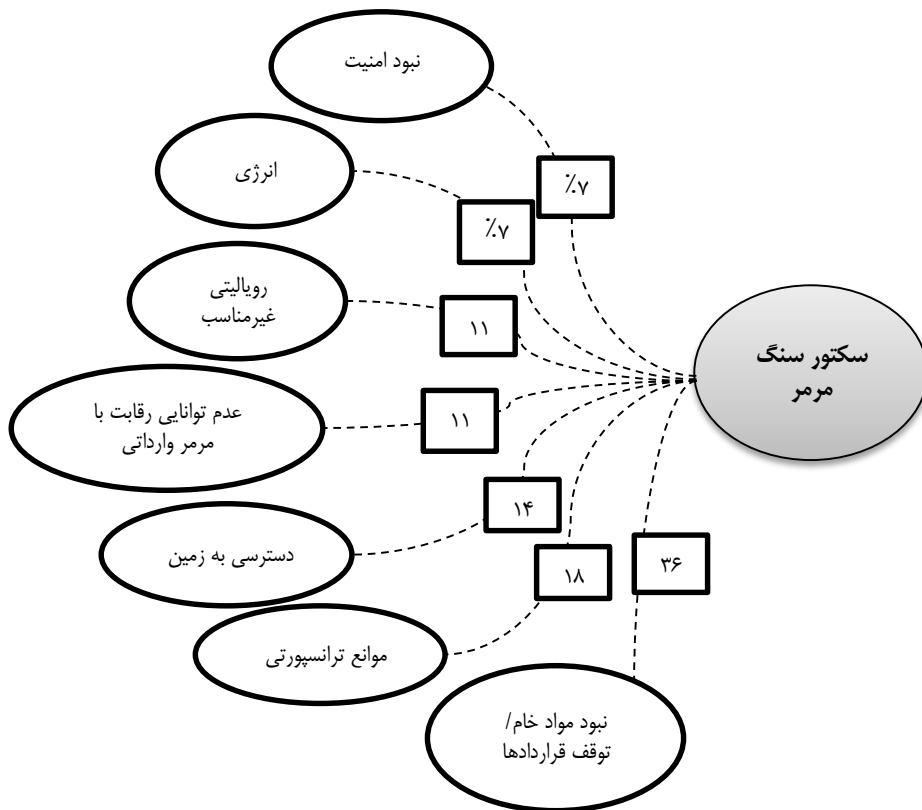
همچنین امنیت معادن را باید یک گروهی خاص در وزارت داخله/کشور به عهده داشته باشد و شرکت‌ها نباید خود مأموران امنیتی شخصی داشته باشند، زیرا این افراد خود باعث مشکلات امنیتی و نقض حقوق بشر می‌شوند. از طرفی در این قانون به استخراج توجه شده ولی به توسعه معادن افغانستان توجه نشده و این روند می‌تواند ما را به سرنوشت جمهوری کنگو در آفریقا دچار کند که ۳۴ میلیون نفر در جنگ داخلی کشته و ۲۴ تریلیون دلار سرمایه این کشور به یغما رفته و ما باید از این کشور سرمشق بگیریم. البته فقدان استراتژی و برنامه مشخص جهت جذب سرمایه‌گذار خارجی در حوزه معدن نیز در این بی‌انگیزگی بی‌تأثیر نبوده است.

در این تحقیق برای آزمون فرضیات پرسشنامه‌ای توسط ریاست تحلیل‌های اقتصادی در وزارت اقتصاد طراحی شد که حاوی ۲۵ سال تخصصی بوده است و بعد از تأیید روایی و پایایی آنکه توسط ریاست انجام شد طی بازدید از فابریکه‌های فعال در زمینه استخراج و پروسس سنگ مرمر این پرسشنامه‌ها توزیع شد که ۹۶ شرکت پرسشنامه‌های داده‌شده را خانه پری نمودند؛ که بعد از جمع‌آوری آنها دیتا وارد نرم‌افزار SPSS شده و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون روابط بین عوامل مورد بررسی قرار گرفت که همان‌طور در شکل (۱) مشاهده می‌شود نبود مواد خام من حیث بزرگترین چالش قلمداد گردیده است و ۳۶٪ شرکت‌ها را با چالش جدی روبرو کرده است که با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد دلیل عمده این چالش عدم اعطاء قراردادهای مرمر در ۳ سال اخیر و فروش مرمر خام به بازارهای بیرونی می‌باشد.

موانع ترانسپورتنی و هزینه‌های غیرقانونی آن، عدم دسترسی به زمین، رویالتی بلند و کمبود انرژی و امنیت به ترتیب از چالش‌های دیگر این سکتور می‌باشند.

چالش‌های عمده دیگر که در پرسشنامه آورده نشده نیز از این قرار است:

- ۱- نبود استانداردهای معیاری برای تولید سنگ مرمر
- ۲- عدم استخدام جیولوجست‌ها، انجینیرهای معادن و کارمندان فنی برای استخراج مرمر توسط شرکت‌ها
- ۳- استفاده بی‌رویه از آب و نداشتن سیستم بازیافت آب در اکثر شرکت‌ها



شکل شماره (۱) مدل مفهومی پژوهش بعد از تحلیل داده‌ها

گرچه باوجود اینکه مشکل سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در داخل کشور با مشکل امنیت کشور گره خورده است، اما حمایت‌های دولتی در مذاکرات با کشورهای همسایه و توافق شده این موضوع را تسهیل می‌کند.

به‌طور مثال کشور چین که یکی از همسایگان کشور است و همچنین بزرگترین واردکننده مرمر خام و نیمه پروسس شده در جهان و از صادرکننده‌های تراز اول محصولات پروسس شده مرمر می‌باشد. افغانستان می‌تواند در مارکت حدود ۲ میلیارد دلاری چین، به‌صورت تدریجی الی ۵۰۰ هزار تن صادرات در سال داشته باشد. شرکت‌های چینی آمادگی نشان داده‌اند تا بدین منظور پارک صنعتی اختصاصی را در ولایت هرات ایجاد نمایند که این خود تأثیر بسیاری در روند توسعه این سکتور خواهد داشت. از طرف دیگر حمایت بانک‌ها و همچنین تخصیص بودجه بیشتر از طرف دولت و حمایت از شرکت‌های بزرگ می‌تواند مسیر را هموارتر کند؛ زیرا که شرکت‌های بزرگ پیشروان هر صنعتی هستند و گردش چرخ هر صنعتی به پیشروان آن بستگی دارد. به‌طور مثال در سکتور سنگ مرمر می‌توان به نچرال استون^۱ و چشت شریف اشاره کرد.

نیاز است با آغاز دوباره‌ی روند اعطای قراردادهای استخراج و پروسس سنگ با در نظر داشت حداقل معیارهای تخنیکی و بشری و اتخاذ استراتژی سه‌بعدی برای توسعه بازار مرمر تا بتواند تولیدات افغانستان را معیاری، میزان صادرات را افزایش داده و محصولات افغانی را در بازار داخلی رقابت‌پذیر سازد. بدین لحاظ یکی از شرایط مهم و اساسی جهت عقد قرارداد با شرکت‌های خصوصی، داشتن شناخت دقیق از نوعیت شرکت، میزان ظرفیت شرکت و تجربه کاری آن می‌تواند باشد از سوی دیگر با توجه به طرح طبقه‌بندی شرکت‌های فعال در این زمینه به‌راحتی و به‌صورت شفاف می‌توان مناسب‌ترین شرکت را جهت اجرای پروژه انتخاب کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در قسمت‌های قبلی سعی شد تا دید واضحی نسبت به مسئله اهمیت اقتصادی سنگ مرمر ایجاد شود. ابتدا ارزش این سکتور از نظر محققان داخلی و خارجی بیان شد. سپس اطلاعات و آمارهای مربوطه ارائه و مورد تحلیل قرار گرفت. حال در آخرین قسمت از این پژوهش به جمع‌بندی نتایج حاصل از تحقیق و تحلیل داده‌ها می‌پردازد و سپس پیشنهادهایی درباره‌ی بهبود این سکتور ارائه خواهند شد.

نتیجه گیری

با وجود تناقض در آمارهای صادرات و استخراج و پروسس محصولات معدنی و سنگ مرمر و چگونگی تشکیل جداول این نوع محصولات، میزان صادرات و استخراج و پروسس سنگ مرمر از سال ۱۳۹۳ به بعد کاهش یافته است و همچنین این سکتور فاصله بسیار زیادی با اهداف تولیدی و صادراتی و همچنین جایگاه واقعی آن دارد.

از طرفی با توجه به آمار واردات سنگ مرمر که در ربع اول ۱۳۹۷ ارائه شده است، مشاهده شد که واردات این سنگ افزایش پیدا کرده است. درحالی که طبق آمار اتحادیه صنعت سنگ افغانستان، از سال ۱۳۹۳ بدین سو حتی یک قرارداد هم بین شرکت‌های استخراجی و فابریکه‌های پروسس سنگ بسته نشده است و در حدود ۷۰ فیصد آن‌ها غیر فعال هستند. درحالی که اعضای سکتور سنگ در سال ۱۳۹۴ با وزارت معادن و پترولیوم به تفاهمی دست یافتند که فابریکه‌های پروسس سنگ بیشتر تأسیس گردد تا سنگ‌هایی که از معادن کشور استخراج می‌گردند در داخل کشور پروسس شوند. این خود نشان‌دهنده کم‌کاری‌های مسئولین این سکتور است در که حالی زمینه استخراج و پروسس سنگ مرمر در کشور وجود دارد اما آن‌ها باید بیکار باشند و سنگ مرمر از خارج کشور وارد شود.

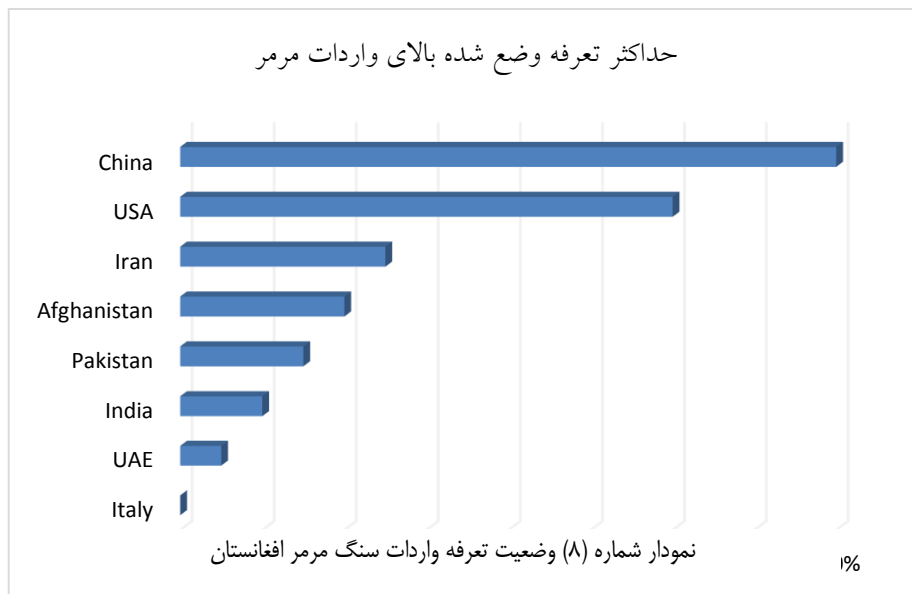
بنابراین می‌توان نتیجه گرفت درحالی که اهمیت و تأثیر ویژه این سکتور بر اقتصاد افغانستان آشکار است، ضعف عملکردی مدیران و مسئولین و دولتمردان باعث می‌شود این سکتور در صنعت کشور جایگاه خود را نداشته باشد که این خود باعث کاهش نقش صنعت سنگ در اقتصاد کشور می‌شود.

از طرفی نتایج حاصل از این تحقیق عوامل اساسی مؤثر بر سکتور سنگ مرمر افغانستان را شناسایی کرده است که مؤثرترین عامل آن کمبود مواد خام با ۳۶ فیصد که بر اثر عدم اعطای قراردادهای استخراج است می‌باشد و سایر عوامل در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند که مسئولین مربوطه می‌توانند بر اساس اولویت این عوامل در جهت رفع و بهبود آن‌ها اقدام کنند.

پیشنهادهای کاربردی

حمایت از تولید داخلی: مرمر افغانستان از نظر هزینه تمام‌شده به سه نوع طبقه‌بندی می‌شود. ممتاز یا کنگوری با کیفیت بالا که حداقل ۱۲۰۰ افغانی فی متر مربع قیمت دارد. این نوع مرمر در مارکت داخلی رقابت نمی‌تواند چون که مرمر پاکستان و ایران در حدود ۴۰۰ افغانی فی متر مربع در بازار فروخته می‌شوند. مرمر درجه دوم و سوم که الی ۸۰۰ افغانی فی متر مربع قیمت دارند که بازهم نسبت به قیمت سنگ‌های مرمر پاکستانی و ایرانی موجود در بازار گران‌تر است؛ بنابراین دولت برای حمایت از تولید داخلی باید

راهکاری ایجاد کند، به طور مثال تعرفه واردات سنگ مرمر را افزایش داده و رویالتی آن را کاهش دهد تا سهم بازار سنگ مرمر افغانستان در بازار داخلی افزایش پیدا کند.



همانطور که در نمودار زیر مشاهده می شود تعرفه واردات سنگ مرمر افغانستان نسبت به کشورهای ایران، چین و آمریکا کمتر است؛ بنابراین می توان آن را افزایش داد تا از تولید ملی حمایت شود. همچنین تقاضا برای مرمر داخلی کاهش پیدا کرده بنابراین باید از واردات غیرقانونی و قاچاقی مرمر پاکستان جلوگیری گردد؛ زیرا که طبق آمار وزارت صنعت تجارت بیشتر از ۶۰٪ درصد بازار سنگ مرمر داخل را سنگ های مرمر پاکستانی تشکیل می دهند کشورهای همسایه با وارد نمودن مرمر خام از افغانستان، آن را پروسس و پالایش نموده به بازارهای بین المللی صادر نموده در عوض مرمر باکیفیت پایین خود را به بازارهای افغانستان صادر می نمایند. قیمت نازل این مرمر وارداتی که الی ۲۸۰ افغانی فی متر مربع می باشد، به تولیدات داخلی آسیب می رساند. اتحادیه های سنگ های تزئیناتی می گوید مقادیر زیادی مرمر از پاکستان به صورت قاچاق و بدون ثبت گمرک وارد بازارهای افغانستان می شود؛ زیرا که اگر این طور نبود سنگ های پاکستانی نمی توانست با قیمت پایین در بازار افغانستان سهم بگیرند. از طرفی از میان برداشتن تعرفه صادراتی بر محصولات کاملاً پروسس شده (که فعلاً ۲۰٪ برای پروسس شده و نیمه پروسس می باشد) می تواند حجم صادرات این سکتور را افزایش دهد. به طور مثال

افغانستان تا ختم ربع سوم سال ۱۳۹۶ به مقدار ۱۷ هزار تُن مرمر را به ارزش حدود ۸۰۰ هزار دالر آمریکایی به کشورهای ایران، چین، امارات متحده عربی، ایتالیا، هندوستان و عراق صادر نموده است. باید گفت ارزش واقعی صادرات افغانستان حداقل ۵ میلیون دالر است و تجار در گمرک به منظور پرداخت تعرفه نازل و کاهش هزینه‌هایشان ارزش فی تُن مرمر را از نرخ جهانی و بازارهای صادراتی‌شان به مراتب پایین‌تر گزارش داده‌اند.

استفاده از تولیدات داخلی در پروژه‌های دولتی: الزامی ساختن استفاده سنگ مرمر افغانستان در پروژه‌های دولتی مانند کمپلکس اداری دولت در دارالامان، ساخت پیاده‌روها و سایر پروژه‌ها. **ایجاد پالسی کنترل و امنیت:** با توجه به این‌که تاکنون به دلیل ناامنی پروسه کنترل انجام نشده، ضرورت است که این امر به صورت جدی از سوی ارگان‌های مربوطه مورد توجه قرار گیرد. دولت اگر بخواهد توسعه اقتصادی را در دستور کار خود قرار دهد باید به زمینه‌های اجتماعی، امنیتی و ابزاری آن نیز توجه خود را مبذول دارد. بدون ایجاد یک بستر مناسب جهت استخراج معادن، امکان رسیدن به فرایند اقتصادی کلان بعید به نظر می‌رسد.

جلوگیری از استخراج غیرقانونی معادن: بعد از دوره جدید، نخستین معدنی که به صورت رسمی قرارداد استخراج آن به امضا رسید، معدن مس عینک است. دیگر هیچ معدنی تاکنون به شکل رسمی و قانونی به قرارداد سپرده نشده است. از این رو به نظر می‌رسد که بیشتر معادن افغانستان به شکل غیرقانونی استخراج می‌گردد. مطابق اظهارات برخی مقام‌های بلندپایه‌ی دولتی، استخراج معادن به شکل غیرقانونی بیش‌تر در مناطق شمال، شرق، جنوب و مرکز جریان دارد. به گفته‌ی این مسئولان، زغال سنگ در شمال و مرکز، سنگ کرومیت در لوگر، انواع سنگ‌های قیمتی در نورستان، بدخشان، پنجشیر، لغمان، کنر، خوست، پکتیا، پکتیکا، به صورت غیرقانونی استخراج می‌گردد.

جذب سرمایه داخلی و خارجی برای این سکتور: در داخل و خارج افغانستان سرمایه‌های سرگردان زیادی متعلق به افغانستانی‌ها وجود دارند که از بازاری به بازار دیگر می‌گشتند. درحالی‌که اگر اعتماد به سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد، این سرمایه‌ها به عاملان مولد اقتصادی تبدیل می‌شود درست است که مشکل امنیت اولین و مهمترین عامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری در این کشور است اما دولت افغانستان می‌تواند با امتیازهای دیگری مانند حمایت دولت و بانک‌ها و قوانین سهولت‌بخش و ... بازار این سکتور را برای جذب سرمایه جذاب کند.

ایجاد ثبات اقتصادی و فراهم‌سازی فرصت در این سکتور: استخراج معادن نیاز به زمان و فرصت کافی دارد. ایجاد بستر امن، تهیه تجهیزات و وسایل لازم و تربیت نیروی انسانی متخصص از جمله امکاناتی‌اند

که نیاز به زمان زیادی دارند. علاوه بر این، تغییرات پیاپی که در کابینه به وجود می‌آید و همچنان تحولات سیاسی و اجتماعی در کشور موجب می‌گردد تا دولت فرصت پرداختن به مسائل مهم اقتصادی و از جمله استخراج معادن را نداشته باشد و از همه بیش‌تر به تأمین ثبات در کشور بپردازد.

انتصاب مدیران متخصص و لایق در بخش معدن: حکومت افغانستان به دلایل فراوان نتوانسته به راه‌اندازی پروژه‌هایی در قسمت استخراج معادن بپردازد. یکی از مهمترین آن‌ها ضعف حکومت است که نتیجه ضعف مدیریت دولتی است که نتیجه آن فساد می‌شود بنابراین با انتخاب مدیران متخصص و لایق در نتیجه عملکرد خوب آن‌ها این ضعف را می‌توان جبران کرد.

- رفع سو برداشت رهبر حکومت وحدت ملی مبنی بر اینکه در افغانستان از سیستم استخراج قدیمی (انفجاری) در معادن سنگ استفاده می‌شود و ۹۰ درصد ضایعات وجود دارد که این باعث شده قرارداد سنگ‌های بلاک در وزارت معادن معلق بماند. درحالی‌که با در نظر داشت مشاهدات و ادعاهای فابریکه‌ها و شرکت‌های استخراجی سنگ مرمر تقریباً ۱۰ سال است که از سیستم قدیمی استخراج استفاده نمی‌شود. بلکه از دستگاه‌های سیم برش برای استخراج استفاده می‌شود که ضایعات آن همانند کشورهای همسایه مانند ایران و پاکستان و هند و ... است.
- بازه زمانی مراحل پروسه قراردادهای سنگ‌های بلاک در وزارت معادن و پترولیم طولانی است و پیشنهاد می‌شود در مدت کمتر از یک ماه طی مراحل شود.
- رویالیتی سنگ‌های تزئیناتی و تعمیراتی در تناسب قیمت کشورهای همسایه بالاتر است؛ بنابراین به دلیل اینکه این سکتور بتواند با کشورهای همسایه رقابت نماید باید رویالیتی را مطابق به کشورهای همسایه تعیین گردد. همچنین رویالیتی سنگ باید ثابت باشد و بجای پروسه داوطلبی روی قیمت‌ها، پروسه رقابتی در بابت پروپوزال ظرفیت، توانمندی و مسلکی بودن بخش‌های تکنیکی و توجه به خدمات اجتماعی زیست‌محیطی جایگزین شود. از طرفی محصولات گمرکی وضع شده بالای سنگ‌های وارداتی مرمر، گرانیت و تراولتین باید به‌صورت دقیق تطبیق و جمع‌آوری شود.
- طبق لایحه شاروالی کابل از مجموع امتعه صادراتی فی تن مبلغ ۳۰۰ افغانی حق العبور اخذ می‌گردد و این مبلغ تنها کالاهای صادراتی را شامل می‌شود بنابراین با توجه به اینکه اکثر کارخانه‌های پروسس سنگ خارج از شهر موقعیت داشته و ناگزیرند تولیداتشان را جهت فروش و قراردادن به دسترس مستهلکین به داخل شهر انتقال دهند، از جانب مسئولین بخش عواید و دروازه‌های ورودی شاروالی کابل مزاحمت و اخاذی غیرقانونی صورت نگیرد.

منابع

- سایت اداره احصائیه مرکزی افغانستان
- سایت وزارت معادن و پترولیوم افغانستان
- اتحادیه صنعت سنگ افغانستان
- سایت وزارت اقتصاد افغانستان
- سند بودجه ملی ۱۳۹۷ جمهوری اسلامی افغانستان
- <https://www.pajhwok.com>
- برنامه راهبردی مصالح ساختمانی، وزارت صنعت، معدن، تجارت، معاونت برنامه‌ریزی.
- فهمی فر، جمشید (۱۳۷۶) *بازار جهانی سنگ‌های تزئینی و سهم صادراتی ایران*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار واردات سال‌های مختلف.
- حسن‌پور، یوسف. (۱۳۸۹) *راهکارهای ارتقای صادرات مواد و صنایع معدنی*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- صادقی فروشانی، محمدرضا (۱۳۷۸) بررسی مزیت‌ها، موانع و پتانسیل بالقوه صادراتی کاشی‌های سرامیکی ایران به بازارهای هدف حوزه خلیج فارس، *پروژه‌نامه بازرگانی*، شماره ۴۰
- گرشاسبی، علی (۱۳۹۱) *گزارش منتشرشده در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی*

Ursula munch & Heinz laufer

World bank document, (2018) SECOND SUSTAINABLE DEVELOPMENT OF NATURAL RESOURCES PROJECT

Ministry of Mines and Petroleum(2018), INVESTMENT OPPORTUNITIES IN THE EXTRACTIVE INDUSTRY OF AFGHANISTAN

Forsyth, M (1987). *Federalism and nationalism*, Leicester: Leicester University Press.

Elazar, D (1987). *Federalism and Nationalism*, Leicester: Leicester University Press.

Kincaid, J (2002). *Hand Book of Federal Countries*, A Project of Federation, ED. By Ann L. Griffith, New York; McGill Queens University Press.

Smith, G (1995). *Federalism the Multiethnic Challenge*, London, Longman.

www.britanicaencyclopedia.org